حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) – ۱۲

حلقه شاگردان خاص علامه طباطبایی(ره)

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

آیت‌الله مصباح در درس مرحوم علامه طباطبایی، صرفاً شنونده نبود و مشارکت فعال داشت. از جمله اقدامات علمی ایشان می‌توان به نمونه‌خوانی تفسیر المیزان[1] و رساندن آن به دست برخی بزرگان حوزه مانند آیت‌الله میلانی اشاره کرد که نشان از عمق روابط علمی طرفینی ایشان با علامه دارد.

مرحوم آیت‌الله مصباح در توصیف مراودات علمی خود با مرحوم علامه طباطبایی، چنین می‌گوید:

«اولین فرم کتاب تفسیر که چاپ شد یک جزوه ۱۶ صفحه‌ای بود. اوایل تابستان بود و من به مشهد مشرّف می‌شدم. ایشان همان فرم اول را با یک جلد کتاب «روش رئالیسم» که تازه چاپ شده بود به من دادند که خدمت مرحوم آقای میلانی بدهم.

آقای میلانی تازه از کربلا به مشهد آمده و سکونت پیدا کرده بودند[2] و هنوز در میان مردم خیلی شناخته شده نبودند. به هر حال من به مشهد مشرّف شدم و خدمت ایشان رفتم.

برای اولین بار بود که ایشان را از نزدیک زیارت می‌کردم.... بعد که با اصرار کتاب‌ها را به ایشان دادم خیلی اظهار بشاشت کردند و خوشحال شدند و فرمودند: «چه هدیه بزرگی برای من آوردید» و سفارش کردند «هر فرمی که از تفسیر چاپ می‌شود برای من بفرستید، صبر نکنید تا تمام شود و یک‌جا بفرستید. مشتاق هستم زودتر جزوه جزوه ببینم»....

همین‌طور خدمت ایشان [علامه طباطبایی] بودم و ارتباطمان تا حدی بود که گاهی سؤالاتی می‌کردم و ایشان هم گاهی قبل از این‌که تفسیرشان را به چاپخانه بدهند، به من می‌دادند و می‌گفتند: «تو هم نگاهی بکن»... این جزوات را زود می‌گرفتم و مرور می‌کردم و اگر چیزی به نظرم می‌رسید، خدمت ایشان عرض می‌کردم. گاهی می‌فرمودند درست است و گاهی هم اشتباه مرا رفع می‌کردند و می‌گفتند اشتباه کرده‌اید. از کمال لطفشان یک مرتبه من پیشنهاد کرده بودم و ایشان جایی را تغییر داده بودند و کم و زیاد کرده بودند. برای این‌که از من تفقّدی کرده باشند، در جمع دوستان گفتند فلانی هم در تفسیر ما شریک است.»[3]

جایگاه تفسیری آیت‌الله مصباح در نزد علامه طباطبایی و همکاری در تنظیم و انتشار تفسیر شریف المیزان، پیش از این فقط در قالب تاریخ شفاهی مطرح می‌شد، اما اکنون برای نخستین‌بار دستخط مبارک علامه در این باب منتشر می‌گردد که حاکی از اعتماد ویژه مرحوم علامه طباطبایی به آیت‌الله مصباح در زمینه تفسیر است.

آیت‌الله شیخ مهدی حائری تهرانی در مورد برگزاری کلاس تفسیر علامه طباطبایی می‌گوید: «قسمت مهمی که بنده مجدداً در قم با علامه طباطبایی دیدم یکی درس فلسفه بود و یکی هم درس تفسیر ایشان، در حقیقت، من این دو درس را برای علامه طباطبایی تأسیس کردم یعنی به ایشان عرض کردم که برای ما یک درس تفسیری قرار بدهید که ما خصوصی کار کنیم.

ایشان موافقت فرمودند در صورتی که رفقای ما هم مطالعه داشته باشند. این مجلس در منزل ما تشکیل می‌گردید و در ابتدا پنج یا شش نفر بودیم: یکی آقای سید محمدباقر ابطحی و دیگری آقای سبحانی، آقای مصباح یزدی و آقای امینی هم بودند و با این عده قرار گذاشتیم و هر هفته ایشان درس می‌دادند، ما هم هرکدام تفسیر می‌خواندیم و مطالبی که بود به ایشان عرض می‌کردیم. این مجالس که شروع شد ایشان تفسیر «المیزان» را مرقوم فرمودند. بعد، از ایشان خواهش شد که جلسه تفسیرشان عمومی بشود و ایشان در مسجد سلماسی قم تفسیر عمومی خود را شروع کردند. شاید حدود هزار نفر طلبه در آن‌جا در این درس شرکت می‌کردند.»[4]

طبق بیان آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح در جلسات هفتگی و خصوصی علامه طباطبایی که در ابتدا با موضوع پاسخ‌گویی به شبهات مکتب ماتریالیسم آغاز شده بود، نیز شرکت می‌کردند.[5] البته این جلسات از سال ۱۳۲۹ شروع شده بود و آیت‌الله مصباح در سال ۳۱ به قم آمدند و احتمالاً در سال‌های بعد در این جلسات شرکت کردند. چون طبق بیان آقای امینی این جلسات به مدت ۳۰ سال ادامه داشت. یعنی تا سال ۱۳۵۹ ادامه یافت؛ آقای امینی می‌گوید:

«این جلسات از سال ۱۳۲۹ شروع و به منظور پاسخ‌گویی به اشکالاتی بود که از سوی یکی از طرفداران مکتب ماتریالیسم برای یکی از فضلای حوزه ارسال می‌شد. نامه‌ها با حضور تعداد محدودی از فضلا در محضر علامه طباطبایی مورد بررسی قرار می‌گرفت و جواب داده می‌شد. جواب اشکالات نیز به وسیله همان دوست برای اشکال‌کننده فرستاده می‌شد. این بحث و مناظره کتبی تا مدتی ادامه داشت. در آن زمان هواداران مکتب الحادی ماتریالیسم در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز فرهنگی به طور مخفیانه فعال بودند، نشریات و کتب آنها پخش می‌شد، شبهات عقیدتی آنها در مسئله خداشناسی، وحی و نبوت، معاد، قرآن و احکام و قوانین اسلام در بین اساتید و دانشجویان مطرح بود و کیان اسلام مورد تهدید قرار داشت. البته در بین اساتید و دانشجویان افراد متعددی وجود داشت که با کمونیست‌ها درگیر بودند و به مقدار توانشان از عقاید اسلامی دفاع می‌کردند. آنها نیز کم یا بیش کتاب و نشریه و جلسات بحث و مناظره داشتند، ولی این مقدار در پاسخ‌گویی به شبهات فرهنگی معاندین کافی نبود.

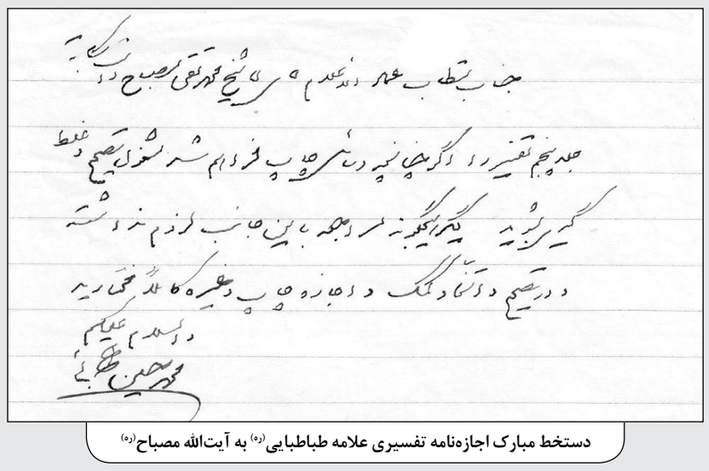

دستخط مبارک اجازه‌نامه تفسیری علامه طباطبایی(ره) به آیت‌الله مصباح(ره)

گرچه احیاناً آنها از سوی رژیم هم تأیید می‌شدند، ولی این حرکات پراکنده نمی‌توانست در برابر حملات گسترده و منسجم معاندان کارساز باشد. زیرا از یک پشتوانه نیرومند فلسفی و از یک مرکز انسجام دهنده و قوی برخوردار نبودند. جلسه علامه در یک چنین اوضاع و شرایطی شکل گرفت و به منظور تأمین چنین هدفی شروع شد. اعضای جلسه در آن زمان و کسانی که بعداً بدان‌ها پیوستند عبارت بودند از آقایان: شیخ مرتضی مطهری، آشیخ حسینعلی منتظری، آشیخ عبدالکریم نیری بروجردی، سید محمد بهشتی اصفهانی، آشیخ علی قدوسی نهاوندی، آشیخ عباس ایزدی نجف آبادی، سیدمرتضی جزایری تهرانی، آسیدعباس بوترابی قزوینی، آشیخ علی اصغر علامه تهرانی، آشیخ محمد محمدی گیلانی، آشیخ یحیی انصاری شیرازی، آشیخ ابوطالب تجلیل، آشیخ حسین نوری همدانی، آشیخ محمدتقی مصباح یزدی، آشیخ جعفر سبحانی، آشیخ ناصر مکارم شیرازی، سید موسی صدر، آشیخ عبدالله جوادی آملی، آشیخ حسن حسن زاده آملی، آقای اویسی قزوینی، آقای محجوب شیرازی، آشیخ اسماعیل صائنی زنجانی، آشیخ مهدی حائری تهرانی و آقا مجد محلاتی. بنده نیز در این جلسه شرکت داشتم.

اعضای جلسه محدود بودند و شرکت افراد به موافقت سایر اعضا بستگی داشت... جلسه مذکور شب‌های پنج‌شنبه و جمعه، و به صورت سیار در منازل افراد تشکیل می‌شد و در حدود ۳۰ سال ادامه یافت. ولی اعضای آن کم یا زیاد می‌شدند. برنامه جلسات در آغاز پاسخ به شبهات فلسفی و عقیدتی رایج زمان بود که به وسیله علامه یا بعضی اعضای جلسه مطرح می‌شد. ولی بعد از چندی به این نتیجه رسیدند که بهتر است اشکالات پراکنده به صورت ریشه‌ای و در قالب یک دوره فلسفه تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور کتب فلاسفه غرب و ماتریالیست‌ها که به زبان فارسی یا عربی ترجمه شده بود خریداری و در اختیار علامه و سایر اعضای جلسه قرار گرفت. گرچه علامه اصرار داشت جلسه به صورت بحث و گفت‌وگوی جمعی اداره شود و بارها می‌فرمود: «خواهش می‌کنم مرا استاد خطاب نکنید». اعضای جلسه هم غالباً با فلسفه و اهل نظر آشنا و از شاگردان علامه بودند، ولی عملاً چنین کاری امکان‌پذیر نبود و به نتیجه نمی‌رسید. در مرحله عمل چنین شد که نقطه آغاز و تقدم و تأخر مباحث و شیوه بحث و استدلال و تدوین مطالب برعهده استاد افتاد. اعضای جلسه نیز خود را ملزم می‌دیدند در طول هفته مطالب مربوطه را مطالعه کنند و خود را برای بحث آماده سازند. علامه که در کلام و فلسفه اسلامی تخصص داشت، در طول هفته کتب فلسفه غرب را نیز مطالعه می‌کرد و با توجه به آنها مطالب مختار خود را در دو نسخه و به زبان فارسی می‌نوشت. مقاله مکتوب را در جلسات و با حضور اعضا می‌خواند. بعد از آن مورد بحث و گفت‌وگو و نقد یا تأیید اهل جلسه واقع می‌شد. در نهایت و پس از تکمیل برای نسخه برداری در اختیار حاضران قرار می‌گرفت. این مباحث تا چندین سال ادامه داشت و بدین صورت یک دوره فلسفه تطبیقی ساده و به زبان فارسی نگاشته شد. آقای مطهری که در آغاز جزء صاحب نظران جلسه بود، بعد از چندی که به تهران منتقل شد و در دانشگاه در متن جریان فلسفه غرب و به ویژه ماتریالیسم قرار گرفت، برای توضیح و تکمیل مقالات مذکور پاورقی‌های سودمندی نوشت.»[6]

پانوشت‌ها:

۱- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج۳، ص۴۰۸.

۲- طبق برخی گزارش‌های تاریخی، آیت‌الله میلانی در ۱۸ مرداد سال ۱۳۳۳ جهت زیارت به مشهد آمدند و بعد از زیارت و درخواست علمای مشهد در آنجا ساکن شدند(ر.ک: محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ش، جلد ۷، ص ۱۰۳ و مجموعه مصاحبه‌ها درباره آیت‌الله العظمی میلانی، همایش چهلمین سال رحلت آیت الله سید محمدهادی میلانی، آبان ۱۳۹۵، ص۳۰۶. https://fa.shafaqna..12/2016/com/media/Ayatllah-milani-1395.pdf) بنا به گفته آیت‌الله مصباح، ایشان اوایل تابستان به مشهد رفته‌اند، نظر به اینکه آیت‌الله‌العظمی میلانی در تابستان ۱۳۳۳ هنوز به طور قطعی در مشهد سکونت اختیار نکرده بودند، به احتمال زیاد، آقای مصباح در اوایل تابستان ۱۳۳۴ به محضر آیت‌الله میلانی مشرف شده‌اند.

۳- ذوالشهادتین امام، ص ۵۱-۵۳.

۴- تاریخ شفاهی زندگانی و خدمات اجتماعی فرهنگی آیت‌الله حائری تهرانی، تدوین رحیم نیکبخت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص۷۲-۷۳.

۵- آن‌گونه که پیشتر نیز بدان تصریح شد، همین جلسات بعداً شکل تدریس فلسفه به خود گرفت.

۶- ر.ک: خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی، تدوین ابراهیم حاج امینی نجف آبادی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲، صص۱۰۶-۱۰۸.

خاطرات رفاقت چهل‌ساله حجت‌الاسلام والمسلمین علی شیرازی با حاج قاسم سلیمانی – ۲۴

نگاه برخی قدرت‌ها به مدیریت رهبری

سعید علامیان

قواعد دیپلماسی و بین‌المللی در همه‌جای دنیا اجرا می‌شود: رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه از هر کشوری بیاید، رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه کشورمان به استقبال می‌رود. حاج‌قاسم وقتی می‌خواست بشار اسد را ببیند، بشار اسد به استقبال می‌آمد؛ می‌ایستاد تا حاج‌قاسم بیاید. با تمام وجود به سلیمانی اعتقاد داشت. می‌دانست که حاج‌قاسم به حرم اهل‌بیت(ع) و مردم سوریه عشق می‌ورزد. می‌دانست که حقیقتاً حاج‌قاسم، سوریه را حفظ کرده است. بشار، احترام ویژه‌ای برای حاج‌قاسم قائل بود. اگر سلیمانی سوریه بود و هیئتی از ایران به سوریه می‌رفت، صبر می‌کرد تا حاج‌قاسم بیاید و بعد دیدار می‌کرد.

حاج‌قاسم می‌گفت بشار اسد خصوصیاتی دارد که بیشتر سران کشورهای عربی ندارند؛ یکی شهوتران نیست؛ دیگر این‌که دزد نیست. در جلسات، همیشه صحبت از ایستادگی و شجاعت بشار بود. روزهایی که دمشق تقریباً در آستانه سقوط بود و کاخ بشار در محاصره قرار گرفته بود، بشار، محکم توی میدان ایستاد. حاج‌قاسم حتی اوایل به او گفته بود «اگر خودت می‌خواهی بمانی، همسر و بچه‌ات را به بیرون دمشق ببریم.» گفته بود «هم من می‌مانم، هم زن و بچه‌ام!» حاج‌قاسم به زن و بچه بشار هم توجه داشت که حفظ شوند و خسته نشوند.

حاج‌قاسم با اردوغان هم رفیق بود. اردوغان هم از حاج‌قاسم خط می‌خواند. حتی بعضی اوقات، مباحثی پیش می‌آمد که دولتی‌ها، سلیمانی را به ترکیه می‌فرستادند. می‌دانستند حاج‌قاسم با اردوغان رفیق است و می‌تواند او را توی رودربایستی قرار بدهد تا کاری را بکند یا نکند.

> آقای پوتین، رهبری حضرت آقا را قبول دارد. رؤسای‌جمهور کشورهای منطقه شمال کشور از جمله پوتین، به دعوت رئیس‌جمهوری به ایران آمده بودند... آقای پوتین از فرودگاه مستقیم به ملاقات آقا رفت. مدت دیدار، یک ساعت مقرر شده بود... ملاقات آقای پوتین، از یک ساعت می‌گذرد. چند بار به او تذکر می‌دهند که در آن جلسه، منتظر شما هستند؛ توجه نمی‌کند. دیدار، دو ساعت طول می‌کشد. به پوتین می‌گویند شما برای جلسه رؤسای‌جمهور آمده‌اید و الان جلسه دیر شده است. آقای پوتین، رئیس‌جمهوری که قدرت بلوک شرق است، می‌گوید: جلسه اصلی، این است! این، نگاه آقای پوتین به عظمت رهبری جمهوری اسلامی است. حاج‌قاسم را هم به عنوان سرباز رهبر ایران می‌داند.

حاج‌قاسم در جنگ با داعش دید اگر قدرتی مثل روسیه وارد شود و در مقابل داعش قرار بگیرد، می‌تواند خللی در صف استکبار ایجاد کند و برای داعش و آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها یک شکست است.

تصمیم گرفت به دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، برود و او را متقاعد کند. البته برای اجرای این تصمیم، نظریات مسئولین را هم گرفته و به جمع‌بندی رسیده بود. به مسکو رفت و با پوتین ملاقات کرد.

پوتین برای حاج‌قاسم ارزش قائل بود؛ آن هم نه به عنوان رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح ایران؛ و نه فرمانده سپاه ایران. حاج‌قاسم، فرمانده یک نیروی ایران بود؛ اما آقای پوتین، عظمت حاج‌قاسم را توی دنیا دیده بود.

آقای پوتین، رهبری حضرت آقا را قبول دارد. رؤسای‌جمهور کشورهای منطقه شمال کشور از جمله پوتین، به دعوت رئیس‌جمهوری به ایران آمده بودند. معمولاً رؤسای‌جمهور کشورها وقتی به ایران می‌آیند، درخواست ملاقات با آقا دارند. پوتین هم درخواست ملاقات کرده بود. آقای پوتین از فرودگاه مستقیم به ملاقات آقا رفت. مدت دیدار، یک ساعت مقرر شده بود. جلسه رؤسای‌جمهور، یک‌روزه بود و می‌بایست سر ساعت تعیین‌شده شروع می‌شد. ملاقات آقای پوتین، از یک ساعت می‌گذرد. چند بار به او تذکر می‌دهند که در آن جلسه، منتظر شما هستند؛ توجه نمی‌کند. دیدار، دو ساعت طول می‌کشد. به پوتین می‌گویند شما برای جلسه رؤسای‌جمهور آمده‌اید و الان جلسه دیر شده است. آقای پوتین، رئیس‌جمهوری که قدرت بلوک شرق است، می‌گوید: جلسه اصلی، این است!

این، نگاه آقای پوتین به عظمت رهبری جمهوری اسلامی است. حاج‌قاسم را هم به عنوان سرباز رهبر ایران می‌داند. وقتی حاج‌قاسم درخواست می‌کند با او ملاقات کند، می‌پذیرد. حاج‌قاسم می‌رود و با زبان استدلال معروفش، او را قانع می‌کند که روسیه وارد جنگ با داعش در سوریه شود.

حاج‌قاسم با هیچ‌کس رودربایستی نداشت. طبیعی است که روسیه، مطیع حاج‌قاسم نبود که تمام مباحثش را با حاج‌قاسم طرح کند. گاهی روس‌ها موضوعی را با حکومت بشار یا ترکیه می‌بستند؛ حاج‌قاسم، آن را به هم می‌زد و می‌گفت باید با ما مشورت بشود. آنها هم فهمیده بودند که نمی‌توانند حاج‌قاسم را دور بزنند. با تمام قدرت، از منافع جمهوری اسلامی دفاع می‌کرد.

گاهی روس‌ها بنا به منافع‌شان، با آمریکایی‌ها صحبتی می‌کردند و تصمیمی می‌گرفتند. اگر آن تصمیم به ایران آسیب می‌رساند، حاج‌قاسم محکم می‌ایستاد؛ با فرمانده ارتش و وزیر روس برخورد می‌کرد؛ پیغام می‌داد و می‌گفت به آنها بگویید اگر این کار را بکنند، من محکم برخورد می‌کنم. از آن طرف، بعضی جاها، میدان مشترک بود و می‌بایست با هم تصمیم می‌گرفتیم. توی آن میدان اگر جمهوری اسلامی با روسیه همراهی نمی‌کرد، روسیه آسیب می‌دید.

به آمریکایی‌ها هم پیغام می‌داد. در مذاکراتی که در روسیه و ترکیه انجام می‌شد، چون می‌دانست آمریکایی‌ها آدم‌های نیرنگ‌بازی هستند و شاید سر روس‌ها هم کلاه بگذارند، به آنها هشدار می‌داد. گاهی به واسطه روس‌ها، به ترکیه پیغام می‌داد که اگر این تصمیمی را که گفته‌اید، اجرا کنید، من برخورد می‌کنم. اهل ملاحظه‌کاری نبود. اگر کاری را حق تشخیص می‌داد، دنبال می‌کرد تا به نتیجه برسد.

حاج‌قاسم، اهل مطالعه بود. هیچ‌وقت از کتاب جدا نمی‌شد. تاریخ کشورها را می‌خواند.

با توجه به سابقه حضور آمریکایی‌ها در ژاپن و آلمان و کره‌جنوبی می‌گفت عراق با ژاپن و آلمان و کره‌جنوبی فرق دارد؛ امکان ندارد آمریکایی‌ها بتوانند در عراق بمانند؛ چون فرهنگ مردم عراق و مرزهای اطرافش مثل ایران، با آن کشورها تفاوت اساسی دارد. می‌گفت قدیم می‌شنیدیم که زمانی عاشقان امام حسین(ع) حاضر بودند یک دست‌شان قطع شود و به زیارت بروند! الان به چشم خودمان می‌بینیم با وجود انفجارهایی که در مسیر کربلا اتفاق می‌افتد، راه‌پیمایی هر سال پررنگ‌تر می‌شود و مردم پای برهنه به طرف کربلا حرکت می‌کنند. آمریکایی‌ها که این صحنه‌ها را می‌بینند، اگر ذره‌ای عقل داشته باشند، می‌فهمند که عراق، جای ماندن نیست.

در عراق هم افراد و مقام‌ها، برایش احترام قائل بودند. با همه آنها رفیق بود؛ در حدی که در برابر هیچ خواسته‌ای به حاج‌قاسم نه نمی‌گفتند.

حاج‌قاسم در جنگ با داعش دید اگر قدرتی مثل روسیه وارد شود و در مقابل داعش قرار بگیرد، می‌تواند خللی در صف استکبار ایجاد کند و برای داعش و آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها یک شکست است.

تصمیم گرفت به دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، برود و او را متقاعد کند. البته برای اجرای این تصمیم، نظریات مسئولین را هم گرفته و به جمع‌بندی رسیده بود. به مسکو رفت و با پوتین ملاقات کرد.

پوتین برای حاج‌قاسم ارزش قائل بود؛ آن هم نه به عنوان رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح ایران؛ و نه فرمانده سپاه ایران. حاج‌قاسم، فرمانده یک نیروی ایران بود؛ اما آقای پوتین، عظمت حاج‌قاسم را توی دنیا دیده بود.

آقای پوتین، رهبری حضرت آقا را قبول دارد. رؤسای‌جمهور کشورهای منطقه شمال کشور از جمله پوتین، به دعوت رئیس‌جمهوری به ایران آمده بودند. معمولاً رؤسای‌جمهور کشورها وقتی به ایران می‌آیند، درخواست ملاقات با آقا دارند. پوتین هم درخواست ملاقات کرده بود. آقای پوتین از فرودگاه مستقیم به ملاقات آقا رفت. مدت دیدار، یک ساعت مقرر شده بود. جلسه رؤسای‌جمهور، یک‌روزه بود و می‌بایست سر ساعت تعیین‌شده شروع می‌شد. ملاقات آقای پوتین، از یک ساعت می‌گذرد. چند بار به او تذکر می‌دهند که در آن جلسه، منتظر شما هستند؛ توجه نمی‌کند. دیدار، دو ساعت طول می‌کشد. به پوتین می‌گویند شما برای جلسه رؤسای‌جمهور آمده‌اید و الان جلسه دیر شده است. آقای پوتین، رئیس‌جمهوری که قدرت بلوک شرق است، می‌گوید: جلسه اصلی، این است!

این، نگاه آقای پوتین به عظمت رهبری جمهوری اسلامی است. حاج‌قاسم را هم به عنوان سرباز رهبر ایران می‌داند. وقتی حاج‌قاسم درخواست می‌کند با او ملاقات کند، می‌پذیرد. حاج‌قاسم می‌رود و با زبان استدلال معروفش، او را قانع می‌کند که روسیه وارد جنگ با داعش در سوریه شود.

حاج‌قاسم با هیچ‌کس رودربایستی نداشت. طبیعی است که روسیه، مطیع حاج‌قاسم نبود که تمام مباحثش را با حاج‌قاسم طرح کند. گاهی روس‌ها موضوعی را با حکومت بشار یا ترکیه می‌بستند؛ حاج‌قاسم، آن را به هم می‌زد و می‌گفت باید با ما مشورت بشود. آنها هم فهمیده بودند که نمی‌توانند حاج‌قاسم را دور بزنند. با تمام قدرت، از منافع جمهوری اسلامی دفاع می‌کرد.

گاهی روس‌ها بنا به منافع‌شان، با آمریکایی‌ها صحبتی می‌کردند و تصمیمی می‌گرفتند. اگر آن تصمیم به ایران آسیب می‌رساند، حاج‌قاسم محکم می‌ایستاد؛ با فرمانده ارتش و وزیر روس برخورد می‌کرد؛ پیغام می‌داد و می‌گفت به آنها بگویید اگر این کار را بکنند، من محکم برخورد می‌کنم. از آن طرف، بعضی جاها، میدان مشترک بود و می‌بایست با هم تصمیم می‌گرفتیم. توی آن میدان اگر جمهوری اسلامی با روسیه همراهی نمی‌کرد، روسیه آسیب می‌دید.

به آمریکایی‌ها هم پیغام می‌داد. در مذاکراتی که در روسیه و ترکیه انجام می‌شد، چون می‌دانست آمریکایی‌ها آدم‌های نیرنگ‌بازی هستند و شاید سر روس‌ها هم کلاه بگذارند، به آنها هشدار می‌داد. گاهی به واسطه روس‌ها، به ترکیه پیغام می‌داد که اگر این تصمیمی را که گفته‌اید، اجرا کنید، من برخورد می‌کنم. اهل ملاحظه‌کاری نبود. اگر کاری را حق تشخیص می‌داد، دنبال می‌کرد تا به نتیجه برسد.

حاج‌قاسم، اهل مطالعه بود. هیچ‌وقت از کتاب جدا نمی‌شد. تاریخ کشورها را می‌خواند.

با توجه به سابقه حضور آمریکایی‌ها در ژاپن و آلمان و کره‌جنوبی می‌گفت عراق با ژاپن و آلمان و کره‌جنوبی فرق دارد؛ امکان ندارد آمریکایی‌ها بتوانند در عراق بمانند؛ چون فرهنگ مردم عراق و مرزهای اطرافش مثل ایران، با آن کشورها تفاوت اساسی دارد. می‌گفت قدیم می‌شنیدیم که زمانی عاشقان امام حسین(ع) حاضر بودند یک دست‌شان قطع شود و به زیارت بروند! الان به چشم خودمان می‌بینیم با وجود انفجارهایی که در مسیر کربلا اتفاق می‌افتد، راه‌پیمایی هر سال پررنگ‌تر می‌شود و مردم پای برهنه به طرف کربلا حرکت می‌کنند. آمریکایی‌ها که این صحنه‌ها را می‌بینند، اگر ذره‌ای عقل داشته باشند، می‌فهمند که عراق، جای ماندن نیست.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		
۳۳۱۱۰۲۰۲	۳۳۱۱۸۰۵۲	۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب	
سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب	
شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
	۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج	۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱
دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
املاک افق
خرید-فروش-رهن-اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۷۶۵۰۹۹۸۱ و ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵

بنایی و خدمات
پارتیشن-کابینت
درب و پنجره UPVC و آلومینیوم
آئینه باکس و روشویی
۷۷۳۷۱۷۶۰-۰۹۱۲۱۱۴۹۶۸۴

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۳۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

خرید و فروش فیش حج – مکه
خرید و فروش ویژه فیش حج
تمتع و عمره بهترین قیمت
انتقال مالکیت یک روزه
۰۲۱-۹۱۰۰۳۶۰۳

خرید و فروش لوازم منزل
پخش انواع کولر گازی (اسپلت)
لباسشویی-ظرفشویی-یخچال-تلویزیون
(با گارانتی معتبر) به قیمت بانه
۵۵۳۲۳۵۲۹
احمدی ۰۹۱۲۷۶۴۶۹۸۰

آگهی‌های مفقودی

کارنامه هوشمند تاکسیرانی به شماره شهربانی ۹۵۵ ت ۷۳ ایران ۲۲ متعلق به محمدتقی (خداداده‌گان) به شماره ملی ۰۰۴۲۸۴۷۰۱۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی NH۴۲۱۸۹۵ به شماره پلاک ۲۴۴ ل ۷۸- ایران ۳۷ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودروی سواری پراید GTXI مدل ۱۳۸۷، رنگ نوک مدادی متالیک به شماره پلاک ۵۵۹ د ۴۴ ایران ۵۲ و شماره موتور ۲۵۷۵۱۳۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۲۲۴۹۹ به نام محمدرضا صادقی کد ملی ۰۹۴۵۲۳۴۵۰۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت وسیله نقلیه خودرو سمند به‌رنگ آبی متالیک مدل ۱۳۹۲ با شماره موتور ۱۲۴K۰۳۰۵۲۳۹ به شماره شاسی NAAC۹۱CC۹EF۶۵۰۷۳۵ به شماره پلاک ۸۵۳ ۲۶ م ایران ۱۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز ۴۰۵GLX-XU۷ به شماره انتظامی ۶۴۴ ل ۵۶ ایران ۶۳ موتور ۱۲۴K۰۴۰۲۱۰۳ شاسی NAAM۰۱CA۰ER۰۳۰۷۵۷ مدل ۹۳ به نام علیرضا باقری مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی NH۴۲۲۸۳۸ به شماره پلاک ۵۶۵ م ۱۸- ایران ۳۷ مفقود و فاقد اعتبار است.

سه برگ کمپانی موتورسیکلت آپاچی‌مدل ۱۳۹۵ به‌رنگ‌سفید و به شماره پلاک ۱۷۸۹۱- ایران ۱۳۲ و به شماره موتور ۲۰۶۴۸۳۵ و به شماره شاسی ۱۸۰P۹۵۱۵۱۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵GLXI۱/۸ به شماره انتظامی ۲۸۶ س ۸۵ ایران ۶۳ مدل ۸۴ موتور ۱۲۴۸۳۱۹۶۲۳۱ شاسی ۱۴۲۰۳۲۷۶ به نام علی کریمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پیکان وانت مدل ۹۱ به شماره انتظامی ۷۴۷ م ۲۸- ایران ۴۱ به شماره موتور ۱۱۴F۰۰۴۱۷۲۰ و شماره شاسی ۳۸۰۱۴۴ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز، کارت ماشین و گواهینامه خودرو پژو پارس(پرشیا) مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۲۵ س ۵۱ ایران ۸۸ به شماره موتور K۱۲۴۰۱۸۱۶۲۷ و شماره شاسی ۶۴۷۱۱۸ به نام حمیدرضا کشاورز گرامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب زینب خسرو بیگی مالک خودرو سمند LX مدل ۹۸ به شماره انتظامی ۱۳۱ ج ۱۷- ایران ۱۳ به شماره تنه NAAC۹۱CE۰KF۵۷۹۱۸۹ و شماره موتور ۱۲۴K۱۳۹۶۹۱۸ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی بعمل خواهد آمد.

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

اجرا نما رومی سیمانکاری
آب صاف و شسته
۰۹۱۲۶۳۴۵۸۲۸
۰۹۱۲۶۷۰۹۹۷۴

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت-اسپیلت-هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ -۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

کوناکون
اعطای نمایندگی و فروش عمده لنت ترمز الیگ در سراسر کشور
۰۹۱۲-۸۴۵۵۳۳۹
۰۲۱-۳۳۱۱۶۸۳۰

«نوبت دوم»
سند کمپانی(سند کارخانه) کامیون کمپرسی آمیکو به شماره انتظامی ۳۱۶ ب ۲۷ ایران ۸۷ با شماره موتور ۸۰۱۵۱۶ و شماره شاسی NA۲B۲JMD۴۶A۰۰۰۰۹۸۹ و به شماره اتاق ۰۰۰۹۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی NH۴۲۱۸۹۵ به شماره پلاک ۲۴۴ ل ۷۸- ایران ۳۷ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت موتورسیکلت بوکسر مدل ۱۳۹۷ و به شماره شهربانی ۹۸۳۱ -۹ ایران ۵۸۲ و به شماره موتور PFZWHB۲۰۳۰۴ و به شماره تنه N۵PCBEKLAJAA۰۹۲۷۹ بنام ابراهیم صداقتی دارای کد ملی ۰۰۵۷۳۲۹۹۳۱ مفقود گردیده و از درجه ا